

تازه یول

نشریه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

شماره ۱۳

فرورداد ماه ۱۳۷۰



عکس: زنان ترکمن افغانستان

* جنبش ملی — دمکراتیک خلق ترکمن
در تئوری و عمل

* صفحه فرهنگی:

کیم گونساکار؟

* آغاز دومین سال انتشار "تازه یول"

* بیاد آن روزها با نگاهی دیگر

* قرار تعقیب صادق خلخالی مادر شد

* عشق وینزی

آغاز دومین سال

نشریه "تازه یول" نخستین سال انتشار خود را بیابان برد و قدم در دومی سال حیات خود گذاشت و بمتابه نشریاتی مستقل و آزاد طی مدت کوتاه علیرغم نواقص و نارسائیهای جدی، توانست در میان مجموعه نیروهای ترکمن راه خود را باز یابد و زمینه‌های معینی را در جهت تبادل نظر و همفکری در عرصه‌های مختلف فراهم آورد.

در آغاز دومین سال حیات "تازه یول" باید یکبار دیگر بر این واقعیت اشاره کنیم که ما و عبارتی مجموعه نیروهای ترکمن از راهی آمدیم که ملو از جانفشانی و فداکاری، ایمان و ایثار بود. با عزمی راسخ در راه آرمانی واحد جنگیدیم، بخاطر آن پایمردی و شجاعت بخرچ دادیم و هزاران بدبختی را بجان خریدیم و حتی بهترین یاران و هم‌زمان خود را از دست دادیم. آرمان ما هر چند که شیرین بود و نغمه‌های خوش و آواهای دل‌انگیز را نویسد میداد و عدالت و برابری را طالب بود، لیکن در زندگی واقعی جز سراب چیسز دیگری بشمار نصیفت.

کم و بیش با شدت و ضعف، تک تک ما همه ما، بتدریج به خیالی بودن آن آرمانها و اندیشه‌های خود دست می‌یافتیم و در پرتو تجارب خود و دیگران، چشمهای ما به روی حقیقت باز میشد. هر يك از ما و همه ما تردید و تعمق در باب راه طی شده را آغاز نمودیم. در طول این راه هر يك از ما به نتایجی، هر چند ناقص و بخشا ناروشن، دست یافتیم. با امید به غنا و پرورده‌تر نمودن دست یافته‌های خود هر يك در راهی گام نهادیم.

همه ما بنوعی متأثر و گاه اسیر فرهنگ و اندیشه گذشته خود بودیم. هر چند

تلاش در نقد گذشته و گریز از فرهنگ و بینش پیشین داشتیم، طبیعتاً ایمن گسست بی‌بکاره حاصل نمیشد و احتیاج به زمان، تجربه و تمرین داشت.

برخی از ما با بریدن از اشکال سابق، دست یافته‌های جدید را در همان مدل گذشته و با شیوه‌های سابق آزمود، بعضی از ما رهیافت جدید را در بازسازی

مناسبات گذشته به آزمون نهاد. معدودی از ما نیز به ادامه اندیشه و سیاق گذشته اکتفا کرد. عدای نیز رهیافت خود را در گریز و رهایی از هر نوع سیاست جستجو نمود، برخی از ما نیز تاکید کرد که بینش و روش و منش پیشین به بن بست رسیده و باید که در يك مناسبات نویسن و سالم، مسائل یکبار دیگر مورد کاوش و تفکر و تعمق عمومی قرار گیرد. آنچه که بیشترین اهمیت را داشت، این بود که آموختیم مستقل فکر کنیم و استقلال فکری را ارج نهیم. بنظر ما برای رسیدن به این مهم میبایستی از هر گونه تشکیلات سازی و فرقه پردازی فاصله جدی گرفته میشد و از گذشته چه افتخارآمیز و چه انزجارانگیز

جز درس گیری و تجربه نباید بها داده شود. محصول این نگرش و ارزیابی تولد نشریه "تازه یول" بود.

طی یکسال گذشته "تازه یول" با رهایی از هر ز رفتن انرژی در درون تشکیلات بعنوان ابزاری در جهت فراهم ساختن مناسبات سالم و دمکراتیک در عرصه فکری و سیاسی تلاش کرد و کوشید که فرهنگ تحمل شنیدن نظرات مخالف، پاسخگویی به نظر مخالفین بدون هیچگونه قید و بند فکری در جوی از برخورد آزاد آرا و عقاید و با استناد به دلایل و با رعایت احترام

باشله دی‌لر.

شو مقصده غوشمق اوچین اینگ آمدلی یول، خلق لرینگ اوزارا غووی غدنشق لری بوله غویمق یوینچه تغلا صرپ ادملک لری و بیرک بیریگ‌نگ تاریخی گلیب چقش لری داب - دستورلری و مدنیت لری بیلان تانمشق لری، الکنجی اولی قدم بولیبار، دیب حساب ادیارس.

بزینگ فکرمزه گوره، دنیاینگ دورلی کتجک لرینده داغئق یاشیان و قدیمی - کینگ تاریخه ایه بولان ترکمن لرینگ‌ده شو تازه دوره آیق اویدرمق لری کرک.

شو مقصدی کوز اونکنده توتیب بیسز بللی ایدیولوکیک و سیاسی مقصدلره قولشمان دنکه مدنی و جمیغت چلق ایشلری بیلان عزیزق لنجق بر جمیغتی غورمق - و شونگ اوستی بیلان داشری یورد لره اوتریان ترکمن لرینگ آرسنده غدنشق لری بوله غویمق اوچین اوز آره خبرلشیب دورمق لغی دوغری تاپدق.

هوه قدرلی ایلدش‌لر، یخشی نیت یسارم دولت دیب دل‌لر.

شو یخشی نیت دن اوغوز آلیب، شیلشه بیر، طرف گوی‌سز، عدالت لی، وجدان لی ایشجنگ، انمدار، آبریلی، ایل اوغورنده مردانه

عید سعید قربان مبارک باد!

روز دوم تیر مصادف با عید سعید قربان است. عید قربان که عیدی مذهبی است در میان مردم ترکمن به عیدی ملی-مذهبی تبدیل شده و از مهمترین اعیاد این خلق می‌باشد. فرا رسیدن عید سعید قربان را به همه ترکمنها و کلیه مسلمانان تبریک و تهنیت می‌گوئیم.

و بدور از غرض و توهین، را فراهم آورد. "تازه یول" با طرح مقالات فرهنگی تحقیقی و ادبی، طالبین فرهنگ مترقی ترکمن را دعوت به همکاری و تشویق به فعالیت بیشتر کرد. و امیدوار است این رابطه در روند آتی فعالیت "تازه یول" توان و قدرت بیشتری یابد.

ما در آغاز دومین سال فعالیت نشریه بار دیگر همه خوانندگان خود را به همکاری و همفکری دعوت می‌کنیم. این دعوت نه از سر تعارف و نه از نوع دعوتهای رایج و معمولی در نشریات، بلکه بر اساس نیاز واقعی نشریه است. برای "تازه یول" نظرات انتقادی، پیشنهادی، طرح، مقاله شعر و ترجمه بفرستید. مطمئناً ایمن همکاری‌ها در امر روشنگری و نیز در بهبود کیفیت نشریه موثر خواهد بود.

تحریریه "تازه یول"

نامس لی جان چکیب بلجک بر غورمه نغم دوینی ناحیلی توتیب بولرقسا؟ بزه گوره حرکت ده برکت بار دیب نیردن

بولسه بر بردن، کیم بولسه ده آدی بر ترکمن شو ایشنگ باشنی باشله مملی دی شیله لك ده گنگش لی بیچلیلان دون غیسنه بولمز دیب بزه بر ناچه ترکمن اوزاره مصلحت لشماعه باشلادق و سونگ ده شو نتیجه گللك.

۱- هیچ بیر سیاسی پارتیا، غورمه وتوپره غوشلمزدن، دنکه مدنی و جمیغت چلق ایشلری بیلان مشغول بولجق بر غورمه نی غورمق باره داقی نیتیزی، ممکن بولدغیچه داشری یورد لره اوتریان ترکمن لره خبر برمک.

۲- وقت لین بولباشچه توپرنی دوردمک

۳- جمیغته کوپراک اغضا چکمک.

۴- جمیغت نگ اغضالری نگ سانی یوزه یتندن سونگ، شو لرینگ وکیل لرینگ غوریجی مصلحتنی غورلتاینی چاغرمق.

۵- بر اورتق بانک حسابنی آچمق.

۶- آنق بیر آدرس بولمق اوچین پوسته قوطی ألمق.

به یاد آن روزها بانگهای دیگر: بیدار

اتحادیه سراسری و مسئله جنگ دوم گنبد

اولین مسئله‌ای که در رابطه با اتحادیه سراسری ذهن آدم را میگرد چونگی تشکیل و وظایف آن میباشد. دوستانی که در آن دوره دست اندر کار اتحادیه سراسری و یا اتحادیه‌های منطقه‌ای بودند بخوبی از چونگی تشکیل و وظایف آن باخبر هستند و دقیقاً میدانند که این نهادها که قاعداً باید نمایندگان مردم و یا حداقل منتخبین شورا های روستائی باشند، چگونه تشکیل شده و چه وظایفی را بر عهده داشته است.

اتحادیه سراسری و منطقه‌ای در ترکمن صحرا زمانی تشکیل شد که سازمان به تنهایی بر آریکه قدرت در منطقه تکیه زده و بی هیچ مانعی توانست سیستم تشکیلاتی و سیاسی خود را در منطقه پیاده نموده و نهادها را به روش خود و با وظایفی پیش بینی شده خود سازماندهی کند. چنین شرایطی اتحادیه سراسری از دل برنامه های سازمان سر بر آورد. در آغاز اتحادیه‌های محلی بنا به انتصاب مسئولین منطقه از بیسن شوراها همان منطقه برای تبادل نظر و سازماندهی کارهای کاشت، داشت و برداشت - محصولات زمینهای مصادری منطقه شکل گرفت. حد از بین اعضای اتحادیه‌های منطقه‌ای اتحادیه سراسری انتصاب گردید. در تمامی لحظاتی مسئولین مناطق بودند که اتحادیه‌های مناطق را بنا به صلاحدید خود انتخاب میکردند و گاهی و بنا به تشخیص خود به اجلاس دعوت می نمودند و برنامه‌های سازمان را در رابطه با مسائل ارضی و دهقانی به اطلاع آنان میرساندند و آنان نیز وظیفه داشتند که این بحثها را به درون شوراها ببرند. چونگی تشکیل و وظایف مشخصه اتحادیه‌ها بسیار ساده بودند. همانگونه که سازمان تمامی ارگانها و نهادهای خود را از بالا تشکیل و سازماندهی میکرد، اتحادیه سراسری و منطقه‌ای را نیز به همین ترتیب تشکیل داد. و کاملاً بشکل نهاد سازمانی سازماندهی و رهبری میکرد. در ایجاد و انتخاب چه اتحادیه سراسری و چه اتحادیه‌های منطقه‌ای دهقانان روستا هیچ نقشی نداشتند و متقابلاً دهقانان منطقه در مقابل آن احساس مسئولیت از خود نشان نمی دادند.

این امری طبیعی و قاعده زندگی اجتماعی است. کسی که خود در ایجاد و ساختن نهاد اجتماعی نقشی نداشته باشد نمیتواند خود را در قبال آن مسئول نشان دهد. اتحادیه های منطقه ما گرفتار چنین بلای بود. اگر اتحادیه سراسری همه گیر و منتخب از پائین و پوشیده از دل جنبش و بر پایه دمکراتیک تشکیل شده و دارای برنامه مشخص بود، میتواند در حساس ترین لحظات در منطقه نقش بسیار جدی داشته باشد. اما چه میشود کرد؟ جوشیده از آرايه سازمان بود و با اولین ضربه هم از همپاشیده و نامی از آن بر جای نماند. زیرا که دیگر سازمان ضرورت پیگیری انرا نمی دید. به همین ترتیب اتحادیه‌های دهقانی تشکیل و خاتمه یافت. کسانی که در خارج از ترکمن صحرا زندگی میکنند و یا کسانی که در شوراها از وظایف و چونگی تشکیل اتحادیه سراسری و اتحادیه‌های منطقه‌ای خبر ندارند، واقعا فکر میکنند که اتحادیه‌ها نهادی بودند دمکراتیک و منتخب مردم و وظایف اصلی و گرنای را در رابطه با منطقه بر عهده داشته و تکیه بر اراده مردم داشتند، که این فکر بنیاداذهنی است و با واقعیت وجودی اتحادیه‌ها هیچ قربانی ندارد.

جنگ دوم گنبد

ما هر روز روزی را سپری می‌کردیم و روزی دیگر را آغاز می‌نمودیم و به روزهای بهمن ماه ۵۸ نزدیک میشدیم. با آغاز روزهای بهمن ماه بحثهای پراکنده‌ای در بین اعضای اصلی ستاد شکل میگرفت و هر روز که جلوتر میرفتیم، بحثها

داغتر و جدیتر میشد و گاهی نیز هواداران سازمان را در رهبری کانون و ستاد به دو گروه تقسیم میکرد. آغازگر بحثها رو شدن نقشه رژیم برای سرچیدن ستاد بود. اخبارهای واصله از دستگاه رژیم و برخوردهای تهدید آمیز رژیم با مسئولین ستاد رهبران سازمان را در ترکمن صحرا واداشت که روی تهدیدهای رژیم و اخبار واصله حساب باز کرده، بحثهایی را بدون سازمان یافتگی صورت دهد گروهی از هواداران سازمان اعتقاد داشتند که رژیم تصمیم خود را گرفته است و منتظر ۲۵ بهمن روزی که آنه قلعح آخوند چماق بدستان را به شهر گنبد کشانده بود، میباشد که ستاد و کانون سازمان را بهر صورت ممکن از بین ببرد. اما گروهی از رفقا مخصوصاً رفقای که غیر بومسی بودند و از وضعیت سازمان در سراسر ایران اطلاعات بیشتری داشتند، اعتقاد داشتند که رژیم برای سازمان جایگاه ویژه‌ای باز کرده و سازمان در میان زحمتکشان و روشنفکران از اتوریتمسه فوق العادلی زیادی برخوردار است. مخصوصاً در ترکمن صحرا و کرستان پایگاه عظیم تودهای دارد. با این تحلیل تصمیمات ماجراجویانه رژیم را رد میکردند و یا حداقل فکر میکردند که رژیم اگر تصمیمات خشن هم داشته باشد منطقه عملش ترکمن صحرا نخواهد بود. به این ترتیب بقیه ویژگیها و پرامترها را فراموش میکردند. زمانیکه در نرون رهبران سازمان این بحثها ادامه داشت، رژیم نیز نیروهای مسلح خود را از سراسر ایران بسوی ترکمن صحرا می‌کشاند و خشن ترین عقدهای ترین پاسداران را در منطقه سازماندهی میکرد. همه و همه دیگر احساس خطر میکردند. مردم روستاها ناآرام بنظر میرسیدند. مردم شهر احساس خطر جدی میکردند و آماده میشدند که هنگام شعله بر شدن آتشی خود را از نرون آتش سازمان و رژیم به محیط آرام برسانند. برای همه روشن شده بود که رژیم به ستاد و کانون حمله خواهد کرد و بجای ستاد شوراها دهقانی، ستاد شوراها را اسلامی‌لجاییکری خواهد کرد. این واقعیتهاى انکار ناپذیر مسئولین سازمان را مجبور کرد به اجلاس چند روزه در گنبد بکشاند. سه روز تمام مسئولین ستاد در گنبد در خانه امنی جلسه گذاشتند و بحث اصلی را روی این موضوع متمرکز کردند که آیا سازمان روز ۱۹ بهمن را در ترکمن صحرا میتینگ و یا راهپیمایی برگزار کند و یا اینکه از برگزاری مراسم صرفنظر کند. نتیجه این سه روز بحث این بود که این راهپیمایی یا حداقل میتینگ تودهای در گنبد برای سازمان امر حیاتی است و سازمان در منطقه باید به هر قیمت تر شده این مراسم را هر چه سرخ تر و کوبنده‌تر برگزار کند. این بود که تصمیم قطعی در خانه امن و بدون از نظر اتحادیه سراسری و یا بدون دعوت کنگره سراسری گرفته شد.

مسئول سازمانی وقت با آتشی داغتر از هر روز پیش از همه اصرار بر برگزاری مراسم داشت و به اخبار واصله از آخرین لحظات هم هیچ توجهی نکرد. بنا به دعوت کانون فرهنگی - سیاسی و ستاد مرکزی شوراها بسیاری از مردم منطقه در اطراف ستاد مرکزی شوراها برای برگزاری میتینگ و راهپیمایی ۱۹ بهمن حضور یافتند. در محله های دیگر شهر هم بخشی از مردم غیر ترکمن تحریک شده، گروه گروه انتظار درگیری خونین را می‌کشیدند آنان نیز منتظر بودند راهپیمایی شروع شود و آنها به آن یورش برند و پاسداران رژیم نیز مسلحانه وارد معرکه شوند. به این ترتیب همه چیز خاتمه یابد. همه چیز طبق برنامه پیش بینی شده قبلی پیش رفت. همه چیز همانگونه صورت گرفت که رژیم دقیقاً به همانگونه میخواست. سازمان میتینگ را برگزار کرد و میتینگ را به راهپیمایی تبدیل کرده بطرف مرکز شهر به حرکت در آورد. همزمان با راهپیمایی درگیری مردم نیز شروع شد و پاسداران در کمین نشسته وارد معرکه شده، تظاهر کنندگان را متفرق نمودند که

برای اعتراضی به عمل پاسداران تحمن در جلو کانون از طرف سازمان صورت گرفت. سازمان از به تحمن کشاندن مردم دنبال دو نتیجه اصلی بود نتیجه اول سنگربندی و جابجایی گروههای جنگی در نقاط مختلف ترکمن نشین شهر و نتیجه دوم اینکه میخواست به دیگر ایرانیان نشان دهد که ما بر علیه حرکت غیر انسانی پاسداران اعتراض میکنیم. سازمان دوست ندارد آتش جنگ در منطقه روشن شود.

به این ترتیب شب ۲۰ بهمن ۵۸ جنگ دوم گنبد شعله ور شد.

سازمان از شروع جنگ دوم میخواست نتیجهای مشابه نتیجه جنگ اول را بگیرد. در این رابطه روی دو مسئله اصلی فکر نمیکرد. الف) حاکمیت زمان جنگ اول با حاکمیت زمان جنگ دوم بکلی فرق میکرد. حاکمیت زمان جنگ اول حاکمیتی بود که تازه به قدرت نشسته و شورای انقلاب ترکیبی از عناصر گوناگون و بسیار متناقض بود، از پیروزی انقلاب هنوز زمانی سپری نشده بود و توده‌های مردم در سراسر ایران به هیچوجه آمادگی پذیرش درگیری مسلحانه رژیم با مردم مناطق گوناگون را نداشت. درگیری بین لیبرالها و روحانیان در بالا نقطه گری در مقابل دولت مردان تازه بقدرت رسیده بود، هر يك دیگری را به دیکتاتور بودن محکوم میکردند و هر يك میخواستند از نتیجه پایان جنگ در گنبد گناه آبرومندانهای برای خود بدورزند، ارتش خود را بی طرف اعلام کرده بود و لیبرالها شدیداً روی خاموشی جنگ می‌کوبیدند.

ب) زمان آغاز جنگ اول گنبد خلق ترکمن از اتحاد و انرژی ملی بسیار قوی برخوردار بود. در منطقه مسئلهای فراتر از مسئله طبقات عمل میکرد، عنصر ملی در تک تک انسانهای ترکمن می‌جوشید، قییر و غمی نبود که از مقابله با رژیم کوتاهی کرده باشد. روحانی و غیر روحانی همه و همه وظیفه خود میدانستند که از حیثیت و وجود خود دفاع کنند. اینجا کمتر مسئله زمین و مصادره آن عمل میکرد. این فکر میکردم در آن دوره چیزی که بیش از همه عمل میکرد مسئله ملی که انرژی نهفته در انسانهای آزادیخواه را بحرکت در میآورد اما بعد از جنگ اول و تحکیم رهبری سازمان مشخصات در زمان جنگ دوم عنصر ملی دیگر تقریباً عمل نمیکرد و اگر هم عمل میکرد بسیار ضعیف تر بود. جنگ دوم از نظر مردم جنگ سازمان و رژیم بود. سازمان هیچوقت توان این را نداشت که درک کند ملت ترکمن غیر از سازمان فکر میکند، ملت ترکمن خواستها و آملهای تاریخی دارد که خارج از چارچوب برنامه‌ها و آرايه‌های سازمان است. امروز نیز اعضای ترکمن سازمان روی این موضوع درکی ندارند، آنها هنوز هم بیشترین بخش تفکر خود را در رابطه با شکست جنبش ملی در ترکمن صحرا روی تودهای شدن سازمان متمرکز کرده‌اند که این درک هر مبارز را در گمراهی گرفتار خواهد کرد.

بنظر من آغاز هر شکستی یعنی آغاز دیکتاتوری در آن جامعه است. این امر طبیعی است. به هیچگونه ما امروز نمیتوانیم بپذیریم چون مسالهای حاکمیت سازمان برای مردم دل می‌سوزانندیم و فدائی بودیم جانمان ارزانی ملتان بود، پس پیروز بودیم، موفق بودیم. بنظر من در رابطه با دلسوزان دیکتاتور عکس مسئله عمل میکند، ما برای مردمان دل سوزانندیم، حتی آنقدر دل سوزانندیم که خودمان و ملتان را نیز با هم سوزانندیم. ما بی‌پانشان دلسوزی بودیم که میخواستیم به مردمان پیروزی هدیه کنیم. اما چه شد که همه واقف بر آن هستیم. دیگر برای من ثابت شد که ملت به بادانشان دلسوز احتیاج دارد و نه به دلسوزانی که خود و ملتشان را با هم می‌سوزانند. مطلب کوتاهی که در چند شماره "تازه یول" درج یافت، فکر کنم برای مبارزین ترکمن مطلب قابل بحث و قابل اندیشه باشد. از دوستانی که این مقالات را خواندند، اگر در بیان حقایق کوتاهی شده باشد، مرا یاری دهند. دست نیاز من بسوی همه شماست تا همه با هم با گذشته خود تصفیه حساب کنیم و همه با هم برای آینده خود طرحها و برنامه‌هایی را ارائه دهیم تا ببینیم خرد جمعی چه می‌خواهد.

سایان

قرار تعقیب شیخ صادق خلخالی صادر شد

شیخ صادق خلخالی به اتهام جنایات گوناگون

شماره ۳۵۳ - پنجشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۷۰ خورشیدی - اول ذیحده ۱۴۱۱ قمری

KAVHAN NEWSPAPER (London House, 271-273 King Street, London W6 9LZ) No. 353 THURSDAY 16th MAY 1991

خلخالی که دستش تا به مرفق به خون خلق ترکمن آغشته است، زمانیکه رهبران جنبش مردم ترکمن ناجوانمردانه ترور شدند، عوامفریبانه میگفت:

اطلاعیه آیة الله خلخالی

قتل ۴ تن از سران ستاد خلق ترکمن بمن ربطی ندارد

ایة الله خلخالی:
من دنبال عاملین قتل چهار گنبدی هستم

این عده احتمالا در جریان زدو خورد های گنبد کشته شده و اجساد آنها توسط فدائیان به زیر پل انداخته شده است. در گنبد من کسی را محاکمه نکرده ام چه رسد به اعدام

زمانیکه آنها از آسیاب افتاد خلخالی جلاد جرئت یافت که به جنایاتش اعتراف کند:

خبرهای ایران

کیمیا لندن پنجشنبه ۲۳ اکتبر ۱۹۸۷ میلادی

خلخالی: چهار تن از رهبران ترکمن صحرا را خودم گشتم!

سخن حقیقی در راه ایران
۱۴ مهر ۸۶

خلخالی پس از آن به شرح جنایات خود در ترکمن صحرا پرداخت و گفت: یک روز احمد آقا تلفنی مرا احضار کرد. نزد امام رفتم و ایشان را در بستر بیماری دیدم. آقا گفت: ترکمن صحرا دار داز دست می رود و من جز شما به کس دیگری اطمینان ندارم، آیا می توانی اوضاع را آرام کنی؟ گفتم: آقا به واللہ سر همه شان را برایتان می آورم. بر چهره خسته و بیمار آقا لبخندی ظاهر شد و ایشان در حق من دعا کردند. خلخالی سپس گفت: من با اعدام حدود ۲۰ نفر در آنجا توانستم اوضاع را آرام کنم. در اینجا دانشجویان انجمن اسلامی یک صدا به خنده افتادند و خلخالی که دریافته بود دروغش حتی برای دوستانش نیز باور کردنی نیست، خودش نیز به خنده افتاد و اظافه کرد: شاید آمار دقیق اعدام های گنبد بود و چند نفر باشد. وی به اعدام رهبران خلق ترکمن اعتراف کرد و گفت از جمله کسانی که در ترکمن صحرا اعدام کرده است، توماج، واحدی و جرجانی بودند. خلخالی در ادامه سخنانش گفت: پس از بازگشت به تهران در بیمارستان قلب که امام در آن بستری بود، بدیدن ایشان رفتم. به محض ورود داز من سوال کردند: گنبد چه شد؟ و من گفتم: آقا ترضیه گنبد دیگر تمام شد. آقا نفس راحتی کشیدند و مجددا مرا دعا کردند.

های فراوان گروه ها متکثر شده بود و گفته بود که در اعدام های گنبد مستحق نباشند و حکمی صادر نکرده است. حالا پس از گذشت هفت سال از آن رویدادهای خونین، شیخ صادق خلخالی بر خاطرات خود که خلاصه ای از آن را کپنسان سال به چاپ رسانده از شاهکارهای سخن گفته است از جمله اینکه توماج، جرجانی و واحدی و مختوم را گشتم و همچنین حکم اعدام ۹۴ تن از جمله چند طلبه سنی ترکمن را در جما صادر کرده است. گشتمی از این خاطرات را میخوانید:

خلخالی درگنبد و اعدام ۹۴ تن از ترکمن ها

اوضاع در ترکمن صحرا بحرانی شده بود و امام در نجات بشر میبزدند از طرف حضرت آیتالله منتظری دامت برکاته طی حکمی به من مأموریت داده شد که برای خواباندن غائله خلق ترکمن به آن دیار بروم زمانیکه حرکت سنی از رادیو اعلام شده. بستنی ضد که ترازه بر سر است جمهوری رسیده بود با تلفن گفتند که شما حق رفتن

گنبد را ندانید من هم بلافاصله در جواب او گفتم من از طرف آیت الله منتظری منصوب شده ام

چهار تن از سران ترکمن بقتل رسیدند

این چهار نفر را از زندان تحویل گرفته و دستبند و زنجیر زدند و آنها را به کشتی فرستادند و آیا آقای رئیس جمعی از این جنایات مولانا دادند.

خانومی پراز معاینه و که مقتولین را کشته

باید پاسداران

پاسداران به گنبد طبع میفرستادند و دستبند و زنجیر زدند و آنها را به کشتی فرستادند و آیا آقای رئیس جمعی از این جنایات مولانا دادند.

ایة الله خلخالی:

من دنبال عاملین قتل چهار گنبدی هستم

این عده احتمالا در جریان زدو خورد های گنبد کشته شده و اجساد آنها توسط فدائیان به زیر پل انداخته شده است. در گنبد من کسی را محاکمه نکرده ام چه رسد به اعدام

وقتی که وارد شهر شده در مجاورت شهرانی که دامستانی بود اقامت کردم و رئیس شهرانی پیش من آمد بی اندازه ترسیده بود گفتم هیچ نترس تا فردا اوضاع آرام خواهد شد اسرا را سباهی، من جمله آقای درویش و آقای نوروزی مرحوم و آقای بنفشه و استادان آقای مصحف و سامعی فرماندار گنبد و آقای دراز گیسو فرماندار گرگان بی اندازه فعالیت میکردند و با ما هم کاری می نمودند ما هم چون جریان کردستان را دیده بودیم وضع گنبد را شاهد بودیم الحق و انصاف هیچ گونه کوتاهی نکردیم چون گنبد بنر اتم وضع بدتر از کردستان را داشت چون متصل بسخاک شوروی بود و آنها دوماه قبل بافغانستان وارد شده بودند و میخواستند حکومت مستقل بنفع آنها در گنبد برپا نمایند.

صادر گنبد دست بکار شدیم در بسد و ورود چهار نفر از افراد برجسته آنها را که عبارت بودند از توماج و جرجانی و واحدی و مختوم اعدام نمودیم. ایادی چهار نفر من جمله ارزانش از طرف رودخانه ترک باروسیه در ارتباط بودند. اسبهای آنها با بنظر تجاوز کرده بود و با هلی کوپتر نفرات و مهمات برای آنها می آوردند. صدای شلیک بر این چهار نفر که در مجاورت زندان شهرانی صورت گرفت آنها نیز ماست ها را کیسه کردند و سر و صدا خوابیدند. نشان بان نشان که در حین توقف ده روزه ما در گنبد ۹۴ نفر من جمله چند نفر از طلاب سنی ترکمن را من دستور اعدام دادیم و این طلبه ها عوض اسلام و قرآن در اطراف رفته از کمونیس و از لنین تعریف میکردند و آنها را بر پیامبر اسلام ترجیح میدادند آیا بغیر از این وضع میشد گنبد را ننگ بداریم لاوالله و این حرکت خدائی بود که با دست من در ایران ظاهر شد و ما این کارها را برای خاطر خداوند و این ملت بها خاسته انجام دادیم و امیدواریم که ما را در هر حال که بنفع اسلام هستیم یاری نمایند.

جنبش ملی و دموکراتیک خلق ترکمن در تئوری و عمل

اگر رغبتی برای دل کندن از فرمول "ساختار سازمانی سرتاسری" نداشته باشند، بنا به تجارب تاریخی و درسهای بسیار نمیتوانند نقش آنچنان مثبت در پروسه تکامل جنبش مستقل و ملی خلق ترکمن ایفا نمایند.

جنبش ملی ما که هنوز در مرحله گذار و تکوین قرار دارد، علاوه بر جریان سراسری "چپ نو" که با اصلاحات و بازسازی اندیشهای سعی در مستحیل نمودن جنبش ما در شکم ناسیونالیسم ملت حاکم دارد، با پدیده انحرافی دیگری که خطری جدی برای اصالت و مضامین انقلابی جنبش بشمار میرود، روبروست، این خطر از جانب "شوروی" است.

سابقا جریانات وابسته و "احزاب برادر" کنماینده آنان در کشور ایران و نقشههای آنان را تسهیل می نمود و عامل اجرائی سیاستهای آنان در قبال خلقهای ما شمار میرفتند، بدنبال فروپاشی و تجزیه و تضعیف این جریانات و حتی تحولاتی بنیادین و دموکراتیک در اکثریت نیروهای این جریانسات تامین منافع و تحقق نقشهها و ترفندهای "شوروی" ها با انکا به چنین جریاناتی چندان میسر نمیباشد. لذا ایجاد و بازسازی تشکلهای مستقل از جریانات سرتاسری، آماج فعلی آنان میباشد و با استفاده از مهرهای فاسد و نفوذی دست نمودن آن، حرکتها را کنترل نمایند. ترکمنستان و آذربایجان شوروی، از جمهوری های خاوری اتحاد جماهیر شورویست که از دیرباز مبلغ نظام و الکوی "شوروی" ها برای خلقهای ترکمن و آذربایجان ایران بودند.

اکنون اساسیترین و مبرم ترین وظیفه نیروهای سیاسی، روشنفکران و شخصیتهای ملی ترکمن درک علمی، منطقی از "چه باید کرد" است که سنگبنای آن امروز نهاده میشود، نفی دیروز و هر آنچه که در روند و پروسه خود سیر قهرقانی داشته اگر به اثبات آن چنان مضامین با قالب ریزی فرمولیک، فراگیر و هدفمندی منجر نگردد، فیالبداهه نتیجه بخش نبوده است، کسانی که صادقانه به اهداف و مطالبات واقعی و تاریخی خلق خویش میاندیشند، اصل دموکراسی و جاری گردیدن پلورالیسم سیاسی را بعنوان اساسیترین محور فعالیتهای سیاسی برگزیدند و از هر نوع درک هرزمنیستی و اراده گرایانه حزبی فاصله گرفتند، برای درک منطقی مضامین جنبش ملی و تدوین پلاتفرم آن وظیفهای پس نشوار و خطیر در مقابل دارند. میبایستی، مولفههای این حرکت را درست شناخت و بکار بست. چشم بستن به روی تجارب عینی و عملا موجود دیگر ملتها و در مقابل غرق شدن در ذهنیات و امید معجزه داشتن از طرحهای تئوریک حواله شده از طرف این یا آن، هر نوع حرکت و ابتکار عمل را از نیروهای ملی سلب خواهد نمود.

فرهنگی و اقتصادی ملتها بوده، مابینتی بسا خواستهای عادلانه، دموکراتیک خلقها ندارد، دفعه یک در بجای پندارهای کهنه که تنها اراده گرایانه میتوانست حیات و موجودیت داشته باشد، درک تجربی از تاریخ و بویژتویسم که حل معادلات اجتماعی و سیاسی را از طریق آزمون و تجربه جستجو مینماید، در حال شکل گیری و گسترش میباشد. همزمان منطق و نمکراسی بجای اعتقاد به دیکتاتوری پرولتاریا تعمیق مییابد، نفی هرزمنی یک حزب و پلورالیسم سیاسی به امر یقینی تبدیل میگردد.

به میزان گسترش گرایشات مستقلانه در اتخاذ سیاست و امر ساختار تشکیلاتی برای هدایت مبارزات خلقها، بخشی از جریانات چپ نیز در حال دگرگونی و بازسازی خود میباشد. "چپ نو" تحت شعار "نواندیشی" بجای تئوری دیکتاتوری پرولتاریا و تبعیت از برادر بزرگتر در دنیسای سیاست و الگوها، اندیشه پلورالیسم سیاسی و انکا به ملت و دفاع از مطالبات و منافع ملی را طرح می نماید. تلاش آنان جذب مجدد نیروهای بشماری است که با "تفر" از عملکرد گذشته سازمانهای چپ در انفعال و سرخوردگی بسر میبرند. در جمع نیروهای سیاسی خلق ترکمن در خارج از کشور پیروان آنان با طرح نمودن این بحث که "اول بیابیم تا به تئوری و ایدئولوژی مستقل و نوین مسلح شویم"، دیگر نیروها را به بحثهای انتزاعی و کلی فرا میخوانند و عملا با سازمانیابی نیروهای ترکمن در تشکیلات مستقل و خام مقابله مینمایند این دسته از دوستان در تئوری به ضرورت تشکیلات مستقل و ملی برای خلقهای تحت ستم پی بردند، ولی در عمل بدلیل حفظ تناسبات دیرینه تشکیلاتی با سردمداران "چپ نو" خط و مرز قاطع و روشنی با پیروان تشکیلات سرتاسری ایرانی ندارند، دوستان ما برای پلیمک کردن تضادی که خود حامل آن هستند، "طرح انجمنهای فرهنگی" را بعنوان مناسبترین وسیله جهت متشکل و متحد گردیدن نیروهای ترکمن تبلیغ می نمایند.

این دوستان ما باید بدانند که روند عمومی مبارزات حق طلبانه ملتهای جهان که قدرتهای استیلاگر و سرکوب کننده را یکی پس از دیگری به زانو در میآورد، مدتهاست پاسخ علمی، تجربی و یقینی به آنان داده است. داشتن تشکیلات مستقل، دموکراتیک و ملی گرا، حق طبیعی و ذاتی هر ملتی است که برای خود تاریخ، زبان، فرهنگ و سرزمین مشترکی دارند، دیگر نمیتوان چه بسا ترفند کهنه "بوزروازی" ملت بزرگ یعنی "دفاع از یکپارچگی مین" و چه تحت پوشش "تئوری انترناسیونالیسم پرولتری" و چه با تکلیف "اسلام واحد و امت واحد اسلامی" این حقوق را ضایع و نفی نمود. نیروهای "نواندیشی" ما که با تحدید نظر در قبال تئوری مارکسیزم - لنینیزم، پلورالیسم سیاسی و نفی هرزمنی حزب کمونیست را پذیرفته اند، بهتر میبود در مقابل آن تفکر "لنینی" هم که قائل بودن تشکیلات خاص و ملی برای ملتها را تحت عنوان بوندیست، ناسیونالیست و انشعاب طلب و ... مردود میدانست، تجدید نظر میکردند.

رهبران بزرگترین نیروهای "چپ" پذیرفتند که فیالبداهه "حقیقت در انحصار هیچ کسی نیست" و در واقع هیچ اصل تئوریک و سیاسی، وحی منزل و آیات الهی و ابدی نیست و نخواهد بود. حذف تنها بخشهایی از تئوری در جهت اهداف سیاسی خاص، عین اپورتونیسم و مصلحت اندیشی است. باید مرز مابین "چپ نواندیشی" و ناسیونالیسم بوزروازی که در شرایط امروز در برخورد بسا اقلیتهای ملی، مواضع نسبتا یکسانی دارند، روشن گردد. در غیر اینصورت اعتقاد به داشتن "حزبی ملی" با محتماتی که "چپ نو" تبلیغ مینماید سالیانی است که در مملکت ایران دارای تاریخ ریشه و حیات میباشد، جبهه ملی ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران هر کدام با تحلیلهای سیاسی پلاتفرم و عملکردهای خاص خویش، تبلور و تعیین چنان دیدگاهی میباشد. دوستان نواندیش ترکمن

با نگاهی گذرا و سطحی به وضعیت نیروهای سیاسی که در دفاع از عمومیترین و اساسیترین خواستهای خلق تحت ستم ترکمن قرار گرفتند، میتوان استنباط و استنتاج نمود که هنوز آن گام اساسی و جدی در جهت برپایی سازمانی مستقل دموکراتیک و ملی برداشته نشده است و تلاشها برای پذیرفتن فرمولی عام و فراگیر ادامه دارد.

در شرایط کنونی اکثریت نیروهای سیاسی منطقه که در حالت پراکندگی و مهاجرت بسر میبرند، بنا به تجارب چندین ساله خود همیتی با سازمانهای سراسری چپ ندارند و در مقابل از تفکر "تشکیلات مستقل" برای اقلیتهای ملی دفاع می نمایند. گرچه درکها از این نظریه متفاوت میباشد و عمدی در پس این تئوری انحرافی و مقاصد خاصی را تعقیب مینمایند، با توجه به اینکه خود به باوری همگانی و جایگاه قابل اتکایی بدل گردیده در جنبش نوین خلق ما فرازی بزرگ و تحولی چشمگیر محسوب میگردد و در راستای تکامل جنبش عادلانه - دموکراتیک خلق تحت ستم ترکمن قرار دارد.

اندیشه اعتقاد به سازمانی مستقل برای رهبری مبارزات حق طلبانه و آزادخواهانه ملتها هم روتی است عینی و هم واقعیتی است انکار ناپذیر. خلقهای تحت ستم در پروسه تکاملی مبارزات عادلانه خویش ضرورتا هر یک در فاز و مرحلای معین این تفکر را جذب مینمایند، چرا که این نوع تفکر اعتقاد به روح ملی و برابرسازی و ارزشی مشترک یک ملت را بدور از منازعات طبقاتی و اجتماعی درونی چون اینصاف و شفاف و تمام نما ترسیم مینماید.

جنبش نوین خلق ترکمن بویژه در دو دهه اخیر مشحون در تجارب تلخ سیاسی و ایدئولوژیکی است. بدلیل نقش برجسته روشنفکران و نیروهای جوان در هدایت جنبش ملی گرایشای غالب گردیده بود که حق تعیین سرنوشت و ایجاد تحولات دموکراتیک و ترقیخواهانه توأم با عدالت اجتماعی را برای خلقهای تحت ستم وعده میداد، در راس چنین گرایشاتی اندیشه "چپ" با الهام از ایدئولوژی مارکسیزم - لنینیزم قرار داشت که حل اصولی منطقی تضادهای اجتماعی و رفع ستم ملی را پذیرفتن الکوی سوسیالیسم درکشورهای سوسیالیستی و بویژه تبعیت و پیروی از متدها و تجارب اتحاد جماهیر شوروی تبلیغ می نمود.

تاریخ با روشنی تمام بطلان و بیپایگی این نوع تفکرات و گرایشات را اثبات نمود. آنچه که بعنوان جامعهای با معیارهای ارزشی عادلانه و دموکراتیک و متکی به رای و اراده تودهها تبلیغ میگردد، "لواقع جامعهای با باقت حکومتی توانایی و سیوان سالارانه و با مناسباتی پر از ستمهای ملی طبقاتی و اقتصادی پیش نبوده است. در پراتیک و سیاست نیز دیکتاتوری، مصلحت گرای و ماکیاولبیزم از مختصات و تبلور و زایش چنین اندیشهای بود که بطور کلی در حرکتها و برآمدهای سیاسی نه تنها هیچ افتخاری و پیشرفتی را برای خلق ما در بر نداشته، بلکه بخش قابل توجهی از سرمایههای انسانی و ملی و اقتصادی خلق ترکمن را به فلاکت و نیستی کشانید. سرانجام نیز با اتخاذ سیاستهای عوامفریبانه، ماضات طلبانه در قبال رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی نیروهای سیاسی نیرومند جنبش خلق ما را به زائده ای تبدیل و بشدت تضعیف نمود. "حزب توده" و "سازمان فدائیان اکثریت" از پیروان جنبش اندیشه و عامل چنان خط مشی در جامعه ما بودند.

به موازات رشد جنبش بویژه در ابعاد سیاسی - تئوریک، روشنفکران، شخصیت های ملی و مبارز که کلید گشاینده معماها و اسرار شکستها و انحرافات عدیده را در دنیای سیاست جستجو میکردند، بعد از دسترسی به تجارب سیاسی گران توانستند اصل تئوری و ماهیت اندیشه را مورد مناقه و بررسی قرار بدهند. اندیشهای که تحت لوای انترناسیونالیسم پرولتری سد راه تکامل اجتماعی

- ۱. دنیانینگ اهلی.
- ۲. بو حمیغت نگ آچلمغنی اسلان لر اونگه غوشلمق اوچین بر کرک اوچین آزدن پر یوز آلمان مارکینی و هر ۳ آی ده ده آزدن ۵۰ مارک اغضالق حقی اودمه لی ادمک.
- ۳. هر ۳ آی ده حمیغت نگ اورگانسی بولجق بر نشر اورگانگی چقرمق.
- ۴. حمیغت نگ غورلتای نه چنلی، غورمه نگ مقصدنی (اساسنامه) سنی و دوزگانسه سنی تیارله مق اوچین تازه اغضالر بیسلان مصلحت لشیپ دورمق.
- ۵. و حاضرلک چه ۹ نجی ماده زمین حاضرلصک اوچین یاده اغضالره فکر برمک اوچین مقصد و دوزگانمه نگ تسلمه سنی- پرویکتنی ایشلاپ چقیپ شونی ترکمن لره ادمک

فردريك ويلهلم

در دوران عشق بازی دو طرف اطمینانی بهم ندارند ، ولی هر يك سعی در بدست آوردن دیگری دارد. هر دو سرزننده ، جذاب ، دلریا حتی زیبا هستند - گرچه سرزندگی موجب زیبایی چهره است. هیچکدام هنوز بر دیگری مالکیت «ندارد» ، بنابراین نیروی هر دو بطرف «بودن» متوجه است. یعنی دادن و تحریک طرف مقابل . با عقد زناشویی وضع غالباً از اساس دگرگون میشود. قباله ازدواج سند مالکیت انحصاری جسمی ، احساسی و توجه متقابل است. دیگر هیچکس نباید در فکر تسلط به دیگری باشد ، زیرا عشق چیزی شده که آنرا «دارد» ، يك مايملك . هر دو دیگر کوشش برای محبوب بودن و ایجاد عشق را کنار میگذارند ، لاجرم هر دو کسالت آور شده و زیبایی خود را از دست میدهند. زن و شوهر نوید سرگشته میشوند. آیا دیگر همان دونفر نیستند؟ آیا در آغاز مرتکب اشتباهی نشده‌اند؟ هر کدام علت تغییر را در دیگری میجوید و احساس غبن میکنند. ولی توجه نمیکنند که دیگر آن دو نفری که در گذشته عاشق هم بودند نیستند ؛ و این اشتباه که شخص میتواند عشق «داشته باشد» منجر به رکود عشق ورزی شده است . حال بجای عشق ورزی بهمدیگر به مالکیت مشترك آنچه دارند اکتفا کرده‌اند: پول ، موقع اجتماعی ، خانه و فرزندان. بنابراین در بعضی موارد ازدواجی که نتیجه عشق بوده به يك مالکیت دوستانه بدل میشود ، شرکتی که در آن دو خودبین درهم آمیخته و تشکیل «خانواده» داده‌اند.

وقتی زن یا شوهر نتواند به آرزوی تجدید احساس عشق ورزی گذشته نائل شود ، بغلط تصور خواهد کرد که تعویض همسر این اشتیاق او را برآورده خواهد کرد . هر دو حس میکنند که در جستجوی عشق‌اند - ولی عشق از نظر آنان توصیفی از وجودشان نیست ، بلکه الهای است که میخواهند تسلیم آن شوند . بنابراین الزاماً در عشق خود شکست میخورند ، زیرا : «عشق فرزند آزادی است» (این يك تصنيف كهن فرانسوی است) ، و لاجرم پرستنده الهه عشق آنچنان بی‌تحرك میشود که بزارکننده شده و آنچه را که از جذابیت گذشته دارد از دست میدهد .

منظور از این توضیح آن نیست که ازدواج نمیتواند راه حل برای دونفری باشد که همدیگر را دوست دارند. مشکل در ازدواج نیست ، بلکه اشکال در شالوده وجودی و احساس دو طرف و لاجرم در جامعه آنان است . هدف طرفداران ازدواج گروهی ، تعویض همسر ، رابطه جنسی گروهی ، تا آنجا که من میتوانم درك کنم ، فقط کوشش در پرهیز از مشکلات عشقی خود وسیله محرکهای جدید بمنظور رفع بیزاری حاصله از یکنواختی و همچنین داشتن «عشاق» بیشتر است تا قادر باشند حتی يك نفر را دوست بدارند.

برگرفته از کتاب "داشتن یا بودن"

عشق ورزی

عشق ورزی نیز برحسب اینکه منظور شکل «داشتن» یا «بودن» آن باشد دو معنی دارد.

آیا انسان میتواند عشق «داشته باشد» ؟ اگر بتوانیم «داشته باشیم» پس عشق باید شیء یا جسمی باشد که میتوان آنرا صاحب شد. حقیقت این است که چیزی بنام «عشق» نیست. عشق يك اسم معنی است ، شاید شبیه يك الهه یا چیزی بیگانه شده ، گرچه کسی تاکنون الهای را ندیده است ، درحقیقت فقط «عشق ورزی» وجود دارد . عشق ورزی يك فعالیت بارور است . و توجه به آگاهی ، واکنش ، تأیید کردن و بهره مند شدن را میرساند : به شخص ، به درخت به نقاشی و به عقیده . عشق ورزی یعنی حیات بخشیدن به محبوب و نوسازی و اعتلاء خود شخص ؛ . اگر عشق در شکل «داشتن» تجربه شود دلالت بر محدود کردن ، زندانی کردن و کنترل کردن چیزی خواهد داشت که شخص آنرا «دوست دارد» . چنین عشقی وحشتناک ، کشنده ، خفقان آور و مرگ آور است ، نه زندگی بخش . مردم از کلمه عشق سوء استفاده میکنند ، تا حقیقت عشق بیمارگونه خود را پنهان سازند . اینکه چه تعداد از والدین فرزندان خود را دوست دارند هنوز جای بحث دارد. لوید و موزر ثابت کرده است که در تاریخ دوهزارساله جهان غرب شواهد دایر بر خشونت نسبت به فرزندان ، از کلک زدن تا شکنجه ، بی توجهی ، تسلط محض و سادیسم ، آنچنان وحشتناک است که باید گفت محبت والدین امری استثنائی است نه قانون یا گزینه طبیعی.

این امر را میتوان در زناشویی هم صادق دانست . اعم از اینکه زناشویی بر مبنای عشق یا سنت اجتماعی قدیم باشد ، زوجی که حقیقتاً بهمدیگر عشق بورزند جنبه استثنائی دارند . مقررات اجتماعی ، سنت ، سودمندی متقابل ، علاقه مشترك فرزندان ، وابستگی متقابل ، و یا نفرت و ترس متقابل را به خیال خود عشق تلقی میکنند - تا لحظه ای که یکی یا هر دو متوجه شده و دریابند که همدیگر را دوست ندارند و هرگز هم دوست نداشته‌اند. امروزه در این مورد دگرگونی و تحولی حاصل شده است : مردم واقع بین تر و هشیارتر شده ، و متوجه گردیده‌اند که دیگر مجذوب جاذبه جنسی شدن عاشق شدن نیست ، یا روابط دوستانه و گروهی مظهر عشق نمیشد . این واقع بینی جدید ضمن اینکه صداقت بیشتری به بار آورده ولی سبب تعویض مکرر همسر یا دوست نیز شده است .

این تعویض الزاماً گویای عشق بیشتر نیست ، دو شريك زندگی جدید ممکن است عشقی کمتر از گذشته داشته باشند.

مرحله انتقال از «گرفتار دام عشق شدن» به «عشق ورزی» فریب آمیز را میتوان بطور حسی در زوجهائی که «در دام عشق هم افتاده‌اند» دید (در کتاب هنر عشق ورزیدن نشان دادم که «افتادن» در عبارت «در دام عشق افتادن» خود يك تناقض است چون عشق ورزی يك فعالیت زایا است لذا شخص فقط میتواند در عشق استوار باشد یا در راه عشق گام بردارد.

اول بردهن داشاری بیوردا اکسپورت بولیان بولسا، انها بویگون تورکمستاننگ اوزی هم داشاری بیورتلر بیلهن گونی سودا آراغاتسا شتق دا غوراپ بیلیمار. ایندی بیز هم اوز آیتتمزئنگ اوستونا غالتپ اوز شان - شوهراتتمزندان غورنامالی.

بیزنگ میلی بایلغتمز بیلهن پاکستان لی لار یا بخارا لی لار والیوتا غازانمالی دال. ادیل بولار یالی ایش ایران تورکمستانیندا هم ادیلیار. اول برده هم جرگلان دا یاشایان تورکمترنگ اوستادلتق بیلهن دو قایان حالی لارئی خوراسان ولایتنگ حالی لاری دیپپ داشساری بیورتلره اکسپورت ادیلار. حاجانا چنلسی بیزنگ باشمزدنا تایاق اوینامالی مئشن؟ اندی، اوینامالی واغنت گلیپ یتدی.

برک کتترل ادملی. بیرنا حالی یالسی هنارلمزندان والیوتا غازانمالی. البتسه غازانلیار هم یونه نامه اوچون بیزینگ حالی مژنگ شوهراتئی بخارا یا دا پاکستان المالی مئشن؟ نامه اوچون اروپا سودنگارلری پاکستان دان یا دا بخارا دان تورکمن حالی سئنی طلاپ ادملی مئشن؟ نامه اوچون اولار گوس - گونی تورکمستاننگ اوز مرکزندان بو حالی لاری طلاپ ادمه لی دال مئشن لر.

اگر گچمئشداکی سیاست لار اساسئندا غونگشی جمهوری مژ بولان اوزبکستان داشاری بیورتلر بیلهن سودا آراغاتناشتق دا بولان بولسا و تورکمن حالی لار تورکمستاندان ایلکی اوزبکستانا اپرلیسپ

کیم گوناکار

کتترل بولوملری، غوییلدی. شیله دا بولسا گورباق بیزنگ اهلی بویسبختمز باجسی لارتمزنگ بارماق غانلاری بیلهن دو قالیان نفیس حالی لارتمز باشقا حالتنگ ادئنا یایریار.

بیزینگ میلی بایلغتمز شول سانسدان گاز دئر نفت مژنگ بیر ناچه بیلسدان غوتارماغی آخال. اولار مدیمی لیک دال.

بیز گلجک نسل لرمزه نامه جوغناپ برملی اونی خودای بلیار؟ حاضرکسی دوورده هیچ بیوررت اوز چینگ مال لارئی دال ده ایسم اوندان اویبان زاتلارینی ساتیار. بیز موندان بیلاک چینگ مال لارتمز نگ شول دورشونا اکسپورت بولماغینی خودا

همبستگی یا خلق کرد

هم مینان عزیز دست یاری انسانهای آزادهای که در کوهستان های کردستان آواره شده اند بسوی ما دراز شده است. آنجا اکنون مبارزه برای زنده ماندن است که جریان دارد. بیائید هر چه از دستمان بر میاید برای کمک به مردم کردستان دریغ ننموده و ضمن حمایت مالی، در حرکات اعتراضی بسه منظور جلب حمایت بین المللی و محکوم کردن قتل عام وحشیانه مردم بیدفاع توسط رژیم جنایتکار عراق شرکت کنیم.

حکومت عراق و سایر دولتهای حامی این رژیم و بهره گیری از امکانات بین المللی و چه از طریق کجکهای مالی، هر چقدر هم ناچیز، که میتواند به سهم خود در امداد رسانی به مردم کردستان موثر باشد.

پس از اقدام رژیم جنایتکار عراق برای سرکوب جنبش خلق کرد و حمله وحشیانه به مردم بیدفاع کردهای مقیم اروپا از کشورهای عراق، ترکیه، ایران و سوریه کمیتهای بنا نهادند و مشترکاً اقدام به برگزاری حرکات اعتراضی، اعتصاب غذا، تماس با شخصیتهای بین المللی و تمرکز امداد رسانی به کردستان عراق نمودند. در دانمارکنیز کمیته امداد کردستان در همین رابطه تشکیل یافته که آدرس و حساب پستی، آن بقرار زیر است:

هم مینان عزیز جنابیتی عظیم در منطقه کردستان عراق در جریان است. هزارها هزار انسان بیگانه برای حفظ جان خود از قتل عامهای رژیم عراق آواره کوهستان های مناطق مرزی یا ایران و ترکیه شده اند. بنا به آخرین اخبار رسمی تاکنون بیش از ۲۰۰۰ نفر تنها در اثر گرسنگی و سرما جان خود را از دست داده اند. از سوی دیگر مبارزان و گلوله باران مردم بیدفاع توسط هواپیماهای عراقی همچنان ادامه دارد. شرایط لحظه به لحظه بدتر میشود و اگر اقدامی فوری و همه جانبه صورت نگیرد، ابعاد فاجعه بسیار وسیعتر شده و انسانهای بیشماری قربانی خواهند شد.

حزب دمکراتیک مردم ایران (دانمارک)
سازمان فدائیان خلق ایران (دانمارک)
سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت (دانمارک)
سازمان فدائی ایران (دانمارک)
کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن (دانمارک)

Kurdistan Relief Association
Postboks 1291
2300 København S
Giro 9975799

وجدان انسانی حکم میکند که از هر طریق ممکن بیاری کردستان عراق بشتابیم. چه از طریق شرکت در اعتراضات عمومی و زیر فشار قرار دادن

همچون فدائیان را دچار نوسانات و زیکزاکهای بسیار خطرناکی نموده که تاثیر مستقیم آن بر جنبش ملی - دمکراتیک خلقمان تفرقه، انشعاب و احیاناً پاسیو شدن برخی از نیروها میباشد. بار دیگر ضمن تاکید بر استقلال جنبش ملی - دمکراتیک خلقمان، استفاده اینجانب از واژه "سازمان محبوب خلق ترکمن" را ناشی از نفوذ این سازمان در سابقه سیاسی اوائل انقلاب - که تازه آنها جای بحث دارد - دانسته و در حال حاضر آنها تادرت ارزیابی میکنم.

ترکمنها قلمداد نمودم که صحت آن مورد تردید و عکس آن صدق دارد. اگر فدائیان اوائل انقلاب نزد ترکمنها نفوذ داشتند بخاطر دفاع آزارمانهای خلقمان در سراسر ایران بود، ولی سیر حوادث سالهای اخیر نشانگر بی تفاوتی این سازمان نسبت به جریانات سیاسی خلق ترکمن و اصولاً مسئله ملی بود. تنها در تزه های پیشنهادیشان مرحمت نموده به خلقها بقول معروف اجازه مطالعه در باب تاریخ، فرهنگ و زبانشان را میدهند. پیچیدگی حوادث سیاسی در ایران نه تنها گروههای پسر سابقه سیاسی بلکه سازمان جوان و کم تجربهای

یکی از خوانندگان "تازه یول" نامه توضیحی برایمان ارسال نموده و تقاضا کرده است که مطلب ایشان را در نشریه چاپ کنیم. نامه ایشان پیرامون مطلبی است که چندی قبل ایشان به نشریه "کار" ارگان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) فرستاده اند، میباشد که در شماره ۶ این نشریه بچاپ رسیده است.

توضیح

بهار امسال در اوج سرکوب وحشیانه خلق ترکمن براق توسط رژیم جنایتکار صدام حسین و سکوت تمامی مجامع بین المللی در قبال کشتار خلق ترکمن و مطرح نمودن یک بعدی حوادث و مطلق نمودن جنبش شمال عراق به کردها، اینجانب از منابع معتبر منتسب به خلق ترکمن عراق اطلاعات و اعلامیههایی تهیه و جهت مطرح ساختن آن در کارنامه جنبش خلقمان و رساندن اخبار مبارزات خلق ترکمن عراق، با توجه به احترام متقابل فدائیان و ترکمنها در روند مبارزات در گذشته - اوائل انقلاب - مطالب فوق را به نشریه کار ارگان فدائیان خلق - اکثریت فرستادم. در این نامه ارسالی انتقاداتی به موضعگیری فدائیان نسبت به جنبش خلق ترکمن عراق و سکوت آنها در قبال ترکمنها و بیان مطالب و اخبار رساندهای

هیئت تحریریه محترم نشریه کار!

شماره ۶-۲۵ اردیبهشت ۱۳۷۰

خلق ترکمن را بشدت پیش میبرد. پس از جنایات اخیر صدام در این مناطق تمامی خبرگزاری های جهان آوارگان و قتل عام شدگان را تنها کردها اعلام می کنند. گویا گلوله های صدام تنها سینه کردها را می شکند و خانه های آنها را ویران می کند و گویا این مهاجران ترکمن نیستند. باز رسانه های گروهی جمهوری اسلامی شکرش باقی است که از آنها به عنوان معارضین و معاندین .. بنامندگان هراتی (به طور کل) نام می برد.

دوستان! شما دیگر چرا؟ اگر از وضعیت ترکمن های عراق اطلاعاتی ندارید، لطفاً با گروه کار خلقها تماس بگیرید اعلامیه هایی در این رابطه ارسال شده است (واحدسود). رهبر حزب ملی ترکمنستان عراق دکتر مظفر ارسلان مصاحبه های مطبوعاتی زیادی

ترتیب داده که در روزنامه های اروپایی (لندن) و ترکیه درج شده است. لطفاً در رابطه با مسائل ملی و خلقها به این مسائل دقت بیشتری انجام دهید و همان چیزهایی را بنویسید که به طور جهت دار در آسوشیئد پرس و یونایتد پرس... چاپ می شود. ما ترکمن های ایرانی و هراتی به عنوان خوانندگان نشریه کار از شما می خواهیم در شماره بعدی نشریه در مورد جنایات صدام علیه ترکمن های کرکوک، آلتین کوپری، دوز حورماتی نابودی روستای قارا خنجر... توضیحاتی ارائه دهید. در خاتمه برای یکایک اعضای هیئت تحریریه در رساندن اخبار خلقهای محروم جهان و اقلیت های ساکن ایران زمین از روی پیروزی می کنیم. دوستداران شما، گلن امین

کار بیانگر خواستها و نیازهای اعضای سازمان هست

هیئت تحریریه محترم نشریه کار باسلام و درودهای رفیقانه! انتشار مجدد نشریه کار با احتیاط بسیار خوب و اجتماعی مایه خرسندی ما ترکمن های موادار و دوستدار سازمان محبوبمان گردید. امید دارم که در راه رسیدن به آرمان های خلقمان که مساوات عدالت اجتماعی است لحظه ای درنگ نکنیم و صفحات کار، مشحون از افکار انقلابی و با الهام از شعر "آفرشته" شاهر بریز باشد.

و اما اعتراضی به شما دوستان از طرف ترکمن های ایرانی و هراتی مقیم محله ما "آدر کرکوک و حومه آن بیشتر از ۲/۵ میلیون ترکمن زندگی می کنند. رژیم عراق تاکنون از انکشاف آمار حقیقی ترکمن ها خودداری کرده است.

آسیمیلاسیون

خبری جهت نار و تحریف شده رسانه های خبری غرب در نشریه گردید. نشریه کار پس از گذشت حدود ۲ ماه صرفاً در صفحه خوانندگان به درج نام نام بدون موضعگیری خاصی نسبت به خلق ترکمن عراق - با اینکه بارها و بارها نسبت به شیعیان جنوب عراق و کردها موضعگیری نموده اقدام نمود.

در نامه ضمن رعایت ادب و حرمت قلم و سابقه سیاسی این سازمان در جنبش خلق ترکمن - در اوائل انقلاب - فدائیان را بعنوان سازمان محبوب

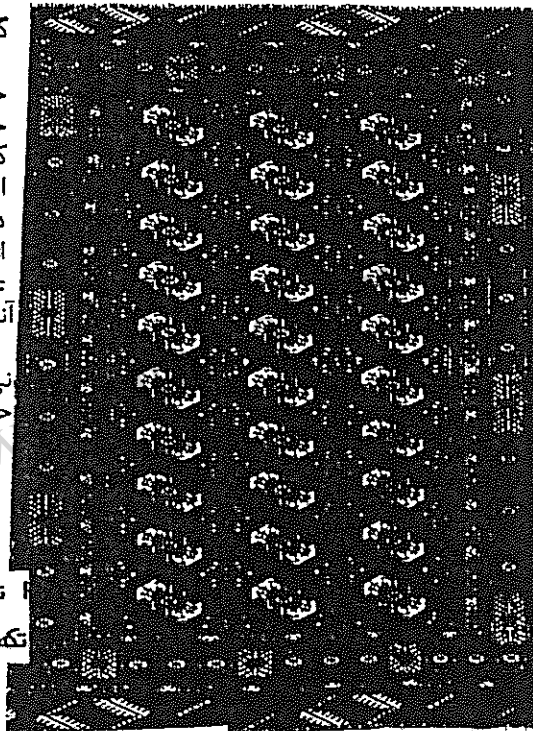
لذت آسام - دا بیر ناچه ذات منسه
جودا یوقماز تاثیر غالدترئب یورمکیمسه
دووگون بولدی. تورکمن حالی لارئتی بخارا
حالی سی و حتی تورکمن حالی نئنگ اکسپورت
بولیان بئرلرئتی پاکستان دییپ گورکمهکی
یورمکیمی غییم - غییم اتدی. نامه اوچون
بیله بولیار بخارا نیرمه تورکمن حالی
نئنگ اونیان مرکزلی نیرمه؟ نامه اوچون
ماری، آحال، یوموت، ارساری، پنده، غئزئل
آیاق، سالئر، سارئق یالی مشهور حالی
لارئمئز اوز اولکسئنگ، اوز ملتئنگ
آدئنا تانال مالی دال مئشن؟

حالی حاقدنا چاپ بولیان دورلی -
دورلی الیوم لاردا، صورت کلکسیونلاردا
تورکمن حالی لاری (پنده، غئزئل آیاق،
کرکی، ۰۰) بخارا بولونئنگ ایچندا و اول
اولکانئنگ آدئنا بریلیپ دئر. بیله نادوغری
ایشلره، حتی میننگ پیکریم چه جنایست
ایشلره کیم گوناکار؟ تورکمنستائنگ دورلی
اداره لاری شول ساندان سودا اداره سی
(آشر برام تورک) و شونگا منگرمش اداره لار
گوناکار دال می؟

تورکمنستائنگ بیر ناچه شاهرلرئندا
حالی فابریک لاری بار. اولارئنگ اوندهریان
حالی لاری، آشفادئنگ گاکارین آدئنداکی
کوجه سنئدا بئرلشپان اولی حالی
اسکلادئندا جمعه نیار و شول یردان هم
داشاری یوردا اکسپورت بولیار. بو
اسکلادئنگ تورکمن ایشکارئندان روس
عابالینگ حوکومی گوپچلی راک و اولسی
آبارئنگ آجاری هم اونئنگ اړکینده دوریار.
یانگی بیر ناچه یئلدان باری حالی
نی دئنگه اوستی بیله اکسپورت ادیلمهکی
حاقدنا قرار چئقاریلدی. آبرویورت دا برک
بقیه در صفحه ۷

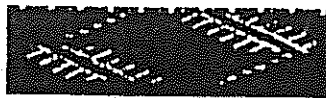
مسئله سی هم کوپ سونگارلری سرگنا
چکیپ دی. ییغناغا گلن مئخمانلارئنگ
باریسی عالم یا استیودنت دالدی، ایسم
اولارئنگ آراسئندا دورلی فیروما (شرکت)
لرئنگ ایلمری، سونگارلر هم آرا آتیلیان
مسئلهره حاص غئزغلی، انغجام انسس
بریب دینگله یاردئتلار. آرا کسمه واغتلاری
اولار حالی اکسپورت ادیان دورلی فیسر
مالارئنگ آدرس لرئتی سوراپ چالتئق
بیلمن غولتوق. دفترحه لرئندا یاز یاردئتلار
سالونئنگ بیر چتینده بیر ناچه تورکمن
حالی سی شیله هم حالی لارئنگ اولسی
پارتیرلرئنگ (تابلو)، حالی نئنگ دوقولشی
حاقدنا دوونلر، اریش - آراچ گچریشسی،
دوقما ایزارلاری (غوراما)، بو یاماسئلاری
حاقتندا و ش. م غئزغلی معلوماتلاری یازیب
غویپ دئرلار.

من یویسانچ بیلمن سرکی نئنگ باشدان
آیغئنا غاتاشئق حالی اوغورئنداکی عالم
لارئنگ سوزلرئتی دینگله دئم. هر ناچه



132x166 cm

Huvudmotiv: 3 rader geometriskt utformade oktogo-
ner och små romber som utfyllnadsmönster. Huvud-
bård: småoktogo-ner och spindel-motiv, såväl bård som
innerparti är på röd botten. Tillverkad enligt de arabis-
ka siffrorna i övre högra hörnet 1319, dvs 1941.



Hakrombsbård.

نجی صورتداکی تورکمن حالی نئنگ آشفادئنا
تکه بخارا دییپ یازیب دئرلر.

"دریم بار دیداریمدان دووریمدان" مخدمقلی

آدام پاخیر بیر شاری نئنگ نیرمسنئدا
یاشاسادا گوئک غانینینگ دامان بئرئنا، آتسا
واطانئنا توپس یورهکدن غوونیار. آتلا پیتادا
تورکمن پالی حالئنگ پوزنتی بولماق و
اونئنگ عالمه گورک بریان گلین - غئز
لارئنگ دورمدن نفیس حالی لاری، شیلده
بدو آت لارئمئز، مئخمانلارا ماحرلی غاراپشئمز
و آتا- بابا لارئمئز دان میراث غالان داپ -
ده سسورلامئزی گوز مونجغی یالسی
غورایلشی، آدمی حاص هم غالئندئر یار.
شیله بایئغلارئمئز دورلی - دورلی
اولکده یاشایان عالم لارئنگ اونسینی
تورکمنلره طاراپ چکیپ، داش بول لاری
یاقین ادیب، آمریکادان، اروپادان، استرالیدان
و سوئددان بیر ال لمرئندا آپاراتلاری
(دوربین)، بیر ال لمرئندا غلام، کاغذلاری
بیلمن تورکمن توپراغئتی یاقئندان گورمک
اوچون، ایلچی خانالاردان تورکمنستائنا
ویزا الماق یالی قین چئلئق لاری مردانه
قبول ادیب گوتهللی تورکمنستائنا ساپار
ادیارلر. بو عالم لار اوز گوزلری بیلمن گورمن
زاتلارئتی، یادلاما دفتلرئتی، آلان
صورتلارئتی، ما خلاصی تورکمنستاندان اورمن
زاتلارئتی سرکی اوستی بیلمن گونباتار
یوروت لرده بیان ادماکه چالیشیارلار.
شولار پالی سرکی یانگی یاقین دا سوئدئنگ
اولی شاهرلرئنگ بیریسی یعنی اوپسالادا
هم بئرئنا یتریلدی. اوپسالادا اونبورسیتئتی نئنگ
سالونیندا گچریلمن بو سرکی حاص هم
داوارالی بولدی اساسان اوپسالادا اونبورسیتئ
تی ۵۰۰ - ۴۰۰ یئل گچمش تاریخی بار.
اونینگ کتابخانسنئنگ قولیازما فوندئندا
گوندوغار تورکی حالقلارئنگ چشمه لرئنا
هم غاوات گلسه بولیار. من گلجده بو
حاقدنا اوچوچئلارا کوپرک معلومات برمرین
اوپسالادا اونبورسیتئتی نئنگ گوندوغار
اورنیش بولومئنگ چاغئریشی اساسئندا
آسیا حالقلارئنگ حالی سرکی سی بولدی.
بو سرکی نینگ بیر طارابی علم بیلمن
باغلانئشقلی بولسا، آیری طاراپدان سوپا

نشانی ما: TKFC
BOX 2 17
440 06 GRÄBO
SWEDEN
TAZE YOL
N°:13-JUN 1991

حق اشتراك برای يكسال:
معادل ۱۲۰ کرون سوئد
باضافه هزینه پست

کمکهای مالی و حق اشتراك
خود را به حساب پستی
زیر واریز نمایید:

TKFC
644443-4
SWEDEN

تازه بول نشریطای است آزاد، و به هیچ گروه، سازمان
و حزب سیاسی وابستگی ندارد و تلاش میکند خوانندگان و
علاقتمندان را با فرهنگ و مسائل مردم ترکمن آشنا سازد.
تازه بول کوشش میکند پیرامون مسئله ملی و جنبش
خلق ترکمن بجهتایی را نامن بزند، لئنا کلیه خوانندگان و
دوستان میتوانند مطالب و مقالات خود را به تازه بول
بفرستند. چاپ مطالب با امضا و مسئولیت مواضع مطروحه با
تویسنده آن خواهد بود. از دوستانی که مقاله و مطلب بما
ارسال میکنند تقاضا داریم که به این نکات توجه نمایند:
اولا مطالب خوانا باشد (بویزه مقالات بزبان ترکمنی) تانیسا
در یک طرف صفحه نوشته شود ثالثا مطالب حتی الامکان
کوتاه باشد. چنانچه مطالب رسیده بلند باشد، با رعایت
حفظمضمون تغییرات لازمه در آن صورت خواهد گرفت.